

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

در ادامه در شرایع می فرماید: «السادسة تثبت ولاية القاضي بالاستفاضة و كذا يثبت بالاستفاضة النسب و الملك المطلق و الموت و النكاح و الوقف و العتق و لو لم يستفرض اما لبعده و لايه له اشهد الامام او من نصب الامام على ولايته شاهدين.»

کلام در این است که اگر شخصی مدعی می شود که من قاضی هستم، ولایت القضاء برای او چگونه اثبات می شود؟ در گذشته امکانات امروز نبوده و گاهی مسافت دور بوده است و شخصی مثلاً به مصر می رفته و می گفت من قاضی شما از طرف امیرالمؤمنین (ع) هستم، حال مردم از کجا بدانند که راست می گوید.

اثبات ولایت قضاء نیازمند احراز است و مباحثی که در این مسأله مطرح می شود ممکن است ما امروزه در بحث سمت قضایی که ابلاغ صادر می شود و در اتوماسیون و سیستم رایانه و فضاهای مجازی، سایت قوه قضاییه منعکس می شود یا در رسانه های جمعی می آید جنبه کاربردی نداشته باشد ولی مباحثی که در مورد این که آیا سمت قضا به استفاضه ثابت می شود یا نه به جهت شمول آن در غیر این بحث جنبه کاربردی دارد.

محقق حلی می فرماید ولایت قاضی به وسیله استفاضه ثابت می شود همچنانکه نسب هم به استفاضه ثابت می شود و همچنین مطلق مالکیت، مرگ، نکاح، وقف و عتق به سبب استفاضه ثابت می شود، البته این که محقق حلی همه را به هم عطف کرده فتوای خودشان است چون برخی مصادیق مختلف فیه است ولی فی الجمله اگر شخصی ادعای قضاوت کرد و دیدیم که نسبت به منصب قضای او استفاضه وجود دارد برای تن دادن به ولایت القضاء او استفاضه کافی است.

ایشان می فرماید اگر استفاضه پیدا نشد (مثلاً به دلیل این که مسیر طولانی است انعکاس پیدا نکرده است که فلانی قاضی است و استفاضه محقق نشود) در این صورت امام وقتی شخص را به عنوان قاضی نصب می کند باید

دو شاهد بر این نصب بگیرد و دو شاهد را در معیت فرد منصوب به آن بلد اعزام کند. (شرایع الاسلام ج 4 ص 70)

پس کلام در چگونگی احراز و اثبات ولایت القاضی است که از طرف امام یا قائم مقام امام برای قضاوت کردن منصوب شده است، این جا یک طریقی این است که بگوییم که از طریق استفاضه که ثابت می شود مراد استفاضه مفید علم است، اگر مراد از استفاضه این گونه باشد ظاهراً کسی با آن مخالفتی ندارد چه این که قطع حاصل از آن حجت است و در آن بحثی نیست. اما اگر مفید علم نباشد چطور؟ گفته اند به شاهدین عدلین مراجعه کنیم، برخی گفته اند قبل از نیاز به شهادت عدلین استفاضه اگر مفید ظن متأخم و متقارب به علم باشد آن هم حجت است بنابراین نوبت به نیاز به شاهد نمی رسد. یعنی در نتیجه اگر استفاضه ای چه علم آور بود و چه علم آور نبود ولی ظن متأخم به علم از آن به دست می آمد می توان گفت برای احراز سمت قضاء در شخص کفایت می کند.

نکته دیگر این است که مراد از استفاضه در این بحث که مطرح شده آن استفاضه مصطلح درایه نیست، آن جا خبری مستفیض است که از حیث حداقلی سه طریق به بالا داشته باشد و از حیث اکثر به حد تواتر نرسد اما در این بحث مراد از استفاضه در بیان فقها عبارت است از این که به مقداری مردم از آن مسأله اخبار کنند که در بین آنها احتمال تواطی عادتاً منتفی باشد و در حقیقت از قول آنها یقین به مؤدای خبر پیدا شود.

شهید ثانی در مسالک ج 13 ص 351 در شرح عبارت صاحب شرایع و در تعریف استفاضه می فرماید: «هی اخبار جماعة لا تجمع داعیه التواطأ عادتاً و يحصل بقولهم العلم بمضمون خبرهم علی ما یقتضیه کلام المصنف هنا او الظن الغالب المقارب له.»

ضابط کلی در باب اثبات در شریعت اسلامی قول عدلین است، مگر جایی که حق مالی باشد که با شهادت یک مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود یا با شهادت یک مرد عادل و یمین مدعی ثابت می شود، برخی جاها از قاعده حجیت بینه استثناء می شود از جمله در اثبات برخی جرایم حدی به شهادت چهار مرد عادل نیاز است حال باید دید حجیت بینه که اثبات کننده است دلیل ظنی است یا علم؟ قطعاً از باب ظن است و الا چه بسا از شهادت چهار نفر هم به علم نرسیم، حالا که ظنیه است وقتی ما از استفاضه به علم برسیم به طریق اولی باید بگوییم موضوع ثابت می شود.

لذا شهید ثانی می فرماید: (مسالک ج 13، 351) ولایة القاضی کغیرها من الحقوق تثبت بما تثبت به من شهادة العدلین بها» و چون غیر مالی است جانشین پذیر نیست و بالسماع التولیه من الامام و بالاستفاضه و الاکتفاء

بالاستفاضه على تقدير اشتراط العلم واضح لانه حينئذ اقوى من بينه التى.....فيكون ثبوت الحكم بها بطريق اولى
و على تقدير الاكتفاء بالظن الغالب تختص الاستفاضه بامور خاصه منها ولاية القاضى لعسر اقامة البينه عليها غالبا
و استقرار الامر على قبولها بذلك و نحوه من زمن النبى (ص) الى عصرنا هذا.

و الحمد لله رب العالمين

<http://feqhvaqaza.com>